

**Measuring the political tendencies of reformism and fundamentalism of citizens
in terms of the amount of social capital in the presidential elections of the Is-
lamic Republic of Iran**

Bahram Nikbaksh¹

Received Date: 13 Jun 2020

Mansoor Sharifi²

Reception Date: 16 Nov 2020

Amir Masood Amirmazaheri³

Mansoor Vosoghi⁴

Shahla Kazemipoor⁵

In the present study, the effect of social capital on reformist political tendencies and social principles in Khuzestan province was investigated. In this regard, the polarization of the political tendencies of reformism and fundamentalism in the three presidential elections of Iran (2005, 1997, and 2013) was designed and analyzed according to the amount of social capital. For data analysis, regression tests, F analysis, T test and structural equation analysis in the form of SPSS and PLS Smart software were used. The statistical population of this province is Khuzestan province and the statistical sample of 5 cities has a population of 100,000 people. The necessary information has been collected using a toolkit and a possible multi-stage method. In order to obtain the validity or validity of the data, the SVR criterion and the experimental criterion are used as standard. Using the results of the study, it was found that the two political compasses of reformism and fundamentalism are completely affected by the amount of social capital in different areas of the statistical community and a significant relationship between this type of political tendencies and the amount of social capital in terms of demographic changes such as gender, ethnicity, Housing and economic and social base index were approved. Also, the compass of political tendencies showed that political and the least affiliations affected by social capital were seen in the political tendencies of reformism and fundamentalism of the citizens of Khuzestan, respectively.

key words: Social capital, political compass, presidential elections, Khuzestan province.

1. Ph.D. Student in Sociology, Faculty of Humanities Sciences, Islamic Azad University, Research Sciences Branch, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor of Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Garmsar Unit, Semnan, Iran (Responsible Author). sharirim@ut.ac.ir

3. Associate Professor of Faculty of Humanities Sciences, Islamic Azad University, Tehran Center Unit, Tehran, Iran.

4. Professor of the Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

5. Associate Professor of the Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

سنجش گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی شهروندان بر حسب میزان سرمایه اجتماعی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران

بهرام نیک‌بخش^۱ دریافت: ۹۹/۳/۲۴
 منصور شریفی^۲ پذیرش: ۹۹/۸/۲۶
 امیر مسعود امیر مظاهری^۳ منصور وثوقی^۴ شهلا کاظمی پور^۵

چکیده

در پژوهش حاضر، تأثیر میزان سرمایه اجتماعی بر روی گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی شهروندان استان خوزستان مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی شهروندان طی سه دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴، ۱۳۷۶ و ۱۳۹۲) بر حسب میزان سرمایه اجتماعی، طراحی و تحلیل گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های رگرسیونی، تحلیل F، آزمون T و تحلیل معادلات ساختاری در قالب نرم‌افزار SPSS و PIS اسمارت کمک گرفته شد. جامعه آماری این پژوهش شهروندان استان خوزستان و نمونه آماری تعداد ۵ شهرستان دارای جمعیت بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت بوده که اطلاعات لازم با استفاده از ابزار پرسشنامه و با روش احتمالی چند مرحله‌ای جمع‌آوری گردید. در ادامه برای به دست آوردن میزان روایی یا قابلیت اعتبار داده‌ها، از معیار SVR و معیار ملاک تجربی به شکل استاندارد استفاده شد. با استفاده از نتایج پژوهش مشخص گردید که دوگانه قطب‌نمای گرایش‌های

فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره دوم (پیاپی ۱۴)، تابستان ۱۴۰۰

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.
 ۲. استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، سمنان، ایران (نویسنده مسئول).
 sharirim@ut.ac.ir

۳. دانشیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.
 ۴. استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
 ۵. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سیاسی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی کاملاً متأثر از میزان سرمایه اجتماعی نواحی مختلف جامعه آماری است و ارتباط معنادار بین این نوع از گرایش‌های سیاسی و میزان سرمایه اجتماعی بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر جنس، قومیت، سکونت و شاخص پایگاه اقتصادی و اجتماعی تأیید گردید. همچنین نمایه قطب‌نمای گرایش‌های سیاسی نشان داد که بیش‌ترین و کمترین تعلقات سیاسی متأثر از سرمایه اجتماعی، به ترتیب در گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی شهروندان خوزستانی دیده شد.

کلیدواژگان: سرمایه اجتماعی، قطب‌نمای گرایش‌های سیاسی، انتخابات ریاست جمهوری،

استان خوزستان



مقدمه و بیان مسئله

در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر متغیرهای مهم از الگوی رأی‌دهی شهروندان استان خوزستان در انتخابات ریاست جمهوری طی سه دوره زمانی (۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲) جهت تعیین گرایش‌های دوگانه اصلاح‌طلبی و اصولگرایی استفاده شد تا سمت‌وسوی چگونگی علقه‌های سیاسی بر حسب برگ آرای انتخاباتی، جهت کاندیدای انتخاباتی دو طیف اصلاح‌طلبی و اصولگرایی مشخص و اولویت‌بندی شود. در ادامه نتایج آماری مربوط به آرای انتخاباتی مأخوذه، با میزان سرمایه اجتماعی شهروندان استان خوزستان به صورت تفکیک‌شده انطباق داده شد. در این راستا، مسئله اصلی تحقیق این خواهد بود که آیا قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی بر حسب میزان سرمایه اجتماعی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر جنس، قومیت، سن، سکونت و شاخص پایگاه اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار است یا خیر؟

از نظر پوتنام (۲۰۱۰)، سرمایه در ابعاد مختلف علاوه بر پایین آوردن هزینه در عرصه‌های سیاسی، باعث تقویت مشارکت سیاسی و کاهش منابع خواهد شد، چون این مقوله سیاسی باعث رشد عقلانیت و منطق در حوزه سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود. بوردیو (۲۰۰۰) عقیده دارد که جامعه نیازمند سرمایه‌گذاری درازمدت در زمینه سرمایه اجتماعی برای نیل به توسعه اجتماعی است. اهمیت این پژوهش، قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی بر حسب میزان سرمایه اجتماعی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان است. چراکه مردم بیشتر انتخاب‌گر کاندیدایی هستند که می‌تواند ناکارآمدی هیئت حاکمه را از بین ببرد (ابوالحسنی، ۱۳۸۴، ص ۱). همچنین از نظر جهاو همکاران (۲۰۱۸)، پرداختن به مفهوم سرمایه اجتماعی بر مدار گرایش‌های سیاسی، می‌تواند ارزش‌های فردی و اجتماعی را خلق می‌کند

در این زمینه سبک رفتاری رأی‌دهی شهروندان استان خوزستان، برای کاندیدای انتخاباتی دو طیف اصلاح‌طلبی و اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری در ۳ دوره انتخابات ۱۳۷۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲ شناسایی گردید تا جهت‌گیری و چگونگی علقه‌های سیاسی بر حسب میزان سرمایه اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و مشخص شود که این تعلقات

سیاسی دوگانه تا چه حد متأثر از متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی، سن، جنس، قومیت و سکونت خواهد بود.

استحکام میزان سرمایه اجتماعی مهم‌ترین علت ثبات و انسجام سیاسی در جوامع مختلف است (پناهی و همکاران، ۹۱: ۱۳۹۰). چراکه میزان سرمایه اجتماعی بر مقوله مشارکت سیاسی تأثیرگذار است. به طوری که در شهرهای دارای تشکل‌های سیاسی مردمی، انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی تقویت می‌شود (جها و همکاران، ۲۰۱۸: ۹۵). گرایش‌های سیاسی افراد بر نحوه فعالیت آنان در شبکه‌های اجتماعی تأثیرگذار است چراکه گرایش‌های سیاسی یکی از مسائل روز جامعه بشمار می‌رود (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۸: ص ۸۸). به طوری که گرایش‌های سیاسی^۲ و سرمایه اجتماعی تأثیر زیادی بر تصمیمات فردی و گروهی دارد.

در این راستا، بنا به تعریف ساعی و کریمی (۱۲۷ ص: ۹۱)، معرف طیف‌های سیاسی رایج در کشور عبارت‌اند از: ۱- طیف سیاسی اصلاح‌طلبان^۳ شامل: حزب کارگزاران سازندگی، حزب اعتماد ملی، مجمع روحانیون مبارز، حزب مردم‌سالاری، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران. ۲- طیف سیاسی اصولگرایان^۴ شامل: جمعیت موفقه اسلامی، حزب ایتارگران انقلاب اسلامی، آبادگران و جامعه مدرسین اسلامی.

پیشینه تحقیق:

در زمینه تحقیقات خارجی مرتبط: تحقیقات اسنادی جها^۵ و همکاران^۶ (۲۰۱۸) با عنوان «سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی» در امریکا نشان دادند که؛ گرایش‌های سیاسی و سرمایه اجتماعی بر تصمیمات گروهی و فردی تأثیر می‌گذارد. در ادامه، سن تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های دموکراتیک را کاهش نمی‌دهد و سرمایه اجتماعی بالا با رأی بیشتر به حزب دموکراتیک در ارتباط است.

- مولیگان^۷ (۲۰۰۸) در مورد «نتایج آراء ملی افراد رأی‌دهنده امریکایی» در روزنامه لس‌آنجلس تایمز گزارش داد که از رأی‌دهندگان پرسیده شد که آنان چه چیزی را مهم‌ترین فاکتور در زمان رأی‌دهی برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ امریکا در نظر گرفته بودند، ۳۳ درصد ارزش‌های اخلاقی و کرداری را به عنوان مهم‌ترین فاکتور جواب دهی انتخاب نمودند.

مطالعه اینگهار و وستود^۸ (۲۰۱۵) نشان داد که سرمایه اجتماعی بر گرایشات سیاسی تأثیرگذار است. ژوتر و هیندلز^۹ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «آیا سرمایه اجتماعی باعث تعلقات سیاسی می‌شود؟» نشان دادند که تعلقات سیاسی می‌تواند رابطه مثبتی با سرمایه اجتماعی داشته باشد.

همچنین موفه^{۱۰} (۲۰۱۴)، اعتقاد دارد در کشورهایی که سرمایه اجتماعی شهروندان بالا است، میزان گرایش به رفتارهای دموکراتیک نیز بیشتر خواهد بود. تیلی^{۱۱} (۲۰۱۳) به «بررسی تأثیر قومیت بر گرایشات سیاسی» پرداخت و مشخص نمود که قومیت به تنهایی موجب تضعیف گرایشات سیاسی نمی‌شود، بلکه محافظه‌کاران نقش میانجی و واسط در این زمینه دارند.

فانک و بتمن^{۱۲} (۲۰۱۳)، با مقاله‌ای تحت عنوان «نقش گرایشات سیاسی رأی‌دهندگان»، نشان دادند که رأی‌دهندگانی که گرایش سیاسی محافظه‌کارانه دارند به داشتن دموکراسی مستقیم در جامعه تمایل بیشتری نشان داده‌اند. رایس و لینگ^{۱۳} (۲۰۰۰) به «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و دموکراسی در ۱۱ کشور اروپایی و آمریکایی» به این نتیجه رسیدند که گرایش رفرمیستی در کشورهای با سرمایه اجتماعی بالا تقویت می‌شود (رستگار و عظیمی، ۹۱: ۹۳).

بولاندر و پیناکر (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی و شرکت در انتخابات در بین اقلیت‌های قومیتی در کانادا» نشان دادند که شاخص (SES) و سرمایه اجتماعی تا حدودی بر شرکت در انتخابات تأثیرگذار است.

- ژاکوبی^{۱۴} (۲۰۱۴ ص ۷۱۹) در تحقیقی تحت عنوان «گرایشات سیاسی شهروندان» بیان می‌کند که جهت‌گیری‌هایی در مورد آزادی، امنیت اقتصادی، ساختار اجتماعی، اخلاقیات، فردگرایی و وطن‌پرستی باعث خلق فرهنگ سیاسی یک جامعه می‌شود. گلین^{۱۵} (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش مردم بر رأی دادن در انتخابات» استدلال می‌کنند که گرایشات سیاسی افراد متأثر از فهم آنان از هنجارهای اجتماعی است.

(گربر^{۱۶}، ۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و گرایشات رأی دادن» به بررسی تأثیرپذیری گرایشات سیاسی بر هنجارهای اجتماعی پرداخته‌اند و مشخص شد هنگامی که

هنجارهای اجتماعی در جامعه تقویت می‌شود، میزان مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد و مشارکت‌کنندگان سیاسی تلاش می‌کنند تا گرایش‌های سیاسی خود را در یک سطح حفظ نمایند. کلنسر (۲۰۰۷)، به اهمیت سرمایه اجتماعی در جهت افزایش فعالیت‌های سیاسی پرداخت. نتایج نشان داد که مشارکت سیاسی در شهرهای بزرگ بیشتر است و مشارکت سیاسی بیشتر شامل مردان جوان است.

در زمینه تحقیقات داخلی مرتبط: احمدی و مرادی (۱۳۹۷) با تحقیق خود با عنوان «سرمایه اجتماعی و گرایش‌های شهروندی» نشان دادند که مهم‌ترین بعد سرمایه اجتماعی تأثیرگذار بر فعالیت سیاسی، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی است (احمدی و مرادی، ۹۶: ۱۰۱). همچنین تحقیق خلفخانی و حیدری (۱۳۹۴) با موضوع «بررسی سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی» مؤید یافته‌های فوق است.

سرمدی و همکاران (۱۳۹۳) ضمن بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت در انتخابات، نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت در انتخابات به عنوان یک مقوله سیاسی تأثیرگذار است.

ذولفقاری و فعلی (۱۳۸۸) با تحقیق خود تحت عنوان «تأثیر جایگاه جوانان در فضای اجتماعی بر روی میزان گرایش آنان به ارزش‌های دموکراتیک»، نشان داد که بین سن و تحصیلات با میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک ارتباط وجود دارد. بدین معنی که با افزایش سن و سطح تحصیلات، میل به پذیرش ارزش‌های دموکراتیک نیز تقویت می‌شود (ذولفقاری و فعلی، ۷۵: ۸۸).

ابوالحسنی (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «گرایش سیاسی مردم، اصلاح‌طلبی و محافظه‌کاری» نشان داد که در سال ۱۳۸۴ اکثریت جامعه ضمن پذیرش نظام سیاسی از وضع موجود ناراضی و خواهان اصلاح آن بودند. شکست اصلاح‌طلبان و پیروزی آنان طی سال‌های ۸۴ و ۷۶ مبین شکست و موفقیت این دو جریان نیست بلکه نشان‌دهنده گرایش‌های رفرمیستی در میان مردم است (ابوالحسنی، ۴۲: ۸۴-۴۰).

عالم (۱۳۷۹)، در تحقیق خود با عنوان «بازبینی طیف گرایش‌های سیاسی»، گرایش‌های سیاسی را در ایران مورد بررسی قرار داد. الف) طیف رادیکال یک نوع موضع‌گیری با اعتقاد

به حل مشکلات به کمک عقل است. ب) اما محافظه‌کاران کسانی هستند که از وضع موجود کاملاً پشتیبانی می‌کنند. چراکه به نظر محافظه‌کاران نباید میراث گذشتگان را یک‌باره کنار گذاشت (بشیریه، ۱۷۳: ۷۸).

مبانی نظری پژوهش

نظر جین لایگلی (۲۰۱۵) این است که گرایش سیاسی افراد در زندگی روزمره تحت تأثیر گروه‌هایی است که به آن تعلق دارند؛ از این رو افراد به دلیل افکار شخصی خود دست به انتخاب سیاسی نمی‌زنند، بلکه معیارهای گروهی است که رفتار سیاسی آنان را هدایت می‌کند (جها و همکاران، ۲۰۱۸ص ۱۰۲). همچنین بر اساس نظریه بلاو، پیوند اجتماعی زمانی حفظ و تقویت می‌شود که افراد در مقابل آن پاداش بگیرند. پاداش، محرک کنشگران به رفتار سیاسی خاصی است که با گرایش سیاسی افراد رابطه دارد (میرزایی و جعفری، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

روپاسینگهای و گوتز (۲۰۰۲) سرمایه اجتماعی را به ۲ بعد هنجارهای و آلتوسویی تقسیم و شاخص خود را در این زمینه گویه سازی نمودند. بر اساس نظر پوتنام (۲۰۰۰)، سرمایه اجتماعی یک حلقه اتصال و شبکه‌ای از روابط افقی و عمودی است که می‌تواند بین دو شاخص مدنظر روپاسینگهای و گوتز ارتباط برقرار نماید. از نظر سیدنی و وربا^{۱۷} (۲۰۰۹)، فهم بهتر گرایشات در گروه پی بردن به نقش تعاملات اجتماعی سازنده است. چراکه گرایشات سیاسی تحت تأثیر افرادی است که به صورت روزانه با آنان در ارتباط هستند.

نظریه بسترهای عمومی و توسعه: عوامل اجتماعی از نظر هابرماس بر سیاست تأثیر دارند و اختلاف زیاد در شاخص (SES) برای روند دموکراتیک یک کشور زیان‌آور است (صبوری، ۱۳۸۱: ۸۰). هانتینگتون نیز اعتقاد دارد که پایین بودن سطح (SES)، مانع از شکل‌گیری گرایشات سیاسی هدفمند برای افراد واقع در طبقات پایین جامعه است (صباغ پور، ۱۳۷۳: ۸۱).

همچنین در این رهیافت، هرمز مهرداد (۱۳۷۶) اعتقاد دارد که گرایشات سیاسی متأثر از طبقه‌بندی اجتماعی است. نظریه سیستم شبکه‌ای: از نظریه پردازان معروف این نظریه گرانووتر^{۱۸} (۲۰۰۵)، با عنوان «قدرت پیوندهای سست» است. بر اساس این نظریه میزان

سرمایه اجتماعی هنگامی که روابط بین اعضای مستحکم‌تر شود، کمتر خواهد بود (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۰).

ممکن است که افراد جامعه تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و ادار به شرکت در انتخابات شوند و این نظریه به کمک نظریه سرمایه اجتماعی نقش انسجام اجتماعی را در فعالیت‌های سیاسی تقویت می‌کند. همچنین، از نظر اسمیت^{۱۹} (۲۰۱۳) همکاری پایین در بین مردم دلیل بر عدم گرایش شهروندان به فعالیت‌های سیاسی است.

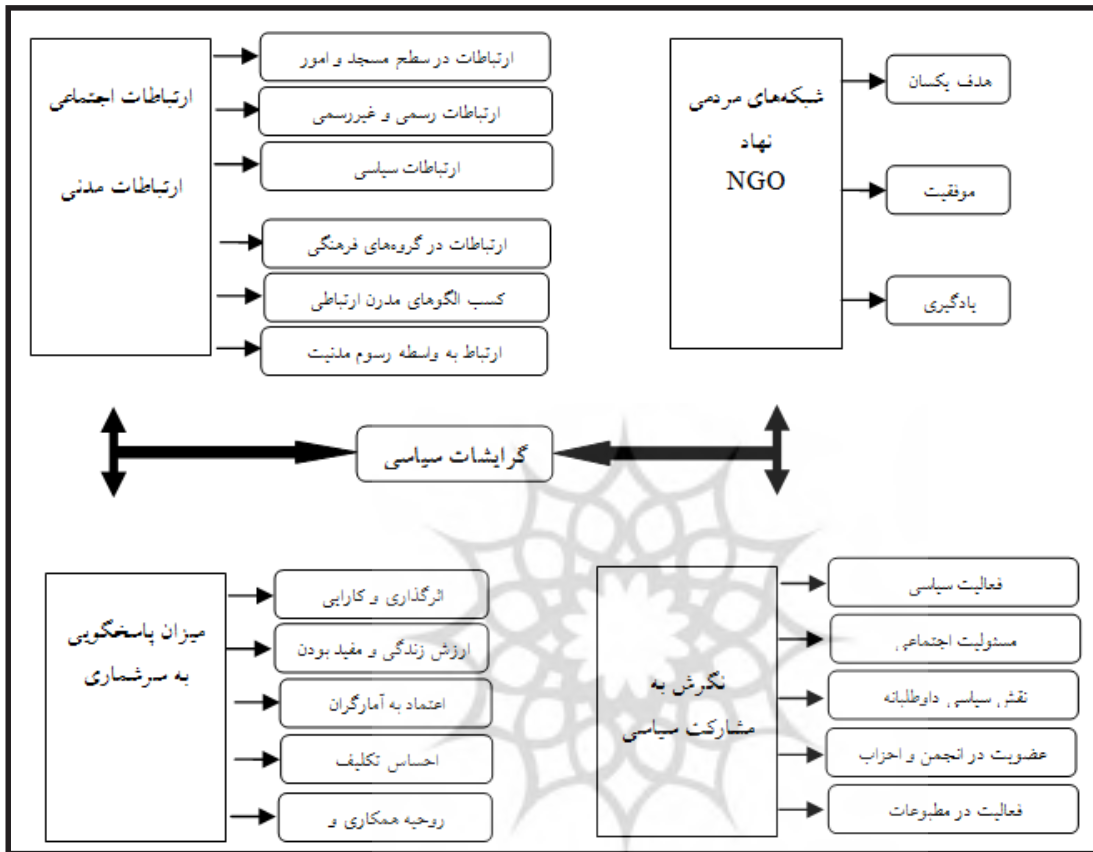
نظریه انگیزه عمومی: وایتلی و سید^{۲۰} (۲۰۰۹) این رهیافت را زیرمجموعه نظریه انتخاب آگاهانه می‌دانند. افراد به شرکت در فعالیت‌های سیاسی به خاطر یک نوع ایدئولوژی افراطی تشویق شوند، چون این نوع گرایش‌ها افراد با همفکران خودش تشریک مساعی بیشتری خواهد داشت. در نتیجه این نظریه می‌توان برداشت کرد که وفاداری‌های افراد در احزاب سیاسی می‌تواند بر روی فعالیت‌های سیاسی افراد در احزاب سیاسی تأثیرگذار باشد (رهبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳).

نظریه انتخاب آگاهانه: مهم‌ترین ریشه این نظریه، گزینش عقلانی معطوف به هدف است (ریتزر، ۱۳۸۰: ۶۴). بر حسب دیدگاه انتخاب آگاهانه چگونگی تأمین منافع جهت‌گیرهای سیاسی را مشخص می‌سازد؛ بنابراین رفتار سیاسی افراد تابعی از مقوله پاداش عدم پاداش است. چراکه افراد پیوسته به دنبال تأمین منافع خود و قدم گذاشتن در این زمینه هستند.

در این راستا و بر اساس نظریات مطروحه و ادبیات نظری تحقیق، مدل نظری پژوهش به شکل زیر ترسیم می‌گردد.

پرتال جامع علوم انسانی

نمودار شماره ۱: مدل نظری پژوهش



فرضیات تحقیق

الف) فرضیات مبتنی بر نتایج جمعیت‌شناختی پژوهش:

- ۱- بین سن افراد با ابعاد مختلف گرایشات سیاسی اصولگرایی و اصلاح‌طلبی رابطه وجود دارد.
- ۲- میان ابعاد مختلف گرایشات سیاسی اصولگرایی و اصلاح‌طلبی در بین مردان و زنان تفاوت وجود دارد.
- ۳- میان ابعاد دوگانه اصلاح‌طلبی و اصولگرایی گرایشات سیاسی در بین افراد بر حسب شاخص SES (شغل، تحصیلات و درآمد) تفاوت وجود دارد.

۴- میان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی بر حسب اصولگرایی و اصلاح‌طلبی در بین قومیت‌های مختلف تفاوت وجود دارد.

۵- میان ابعاد مختلف گرایش‌های سیاسی اصولگرایی و اصلاح‌طلبی در بین افراد بر حسب محل سکونت آنان تفاوت وجود دارد.

ب) فرضیات فرعی پژوهش:

۱- بین گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی و ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.

۲- بین گرایش به طیف سیاسی اصولگرایی و ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.

۳- بین گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی و ابعاد هنجاری-آلتوسویی سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.

۴- بین گرایش به طیف سیاسی اصولگرایی و ابعاد هنجاری-آلتوسویی سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.

ج) فرضیات اصلی پژوهش

۱- قطب سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور اصلاح‌طلبی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان، طی سه دوره (۱۳۸۴، ۱۳۷۶ و ۱۳۹۲) متأثر از میزان سرمایه اجتماعی است.

۲- قطب سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان، طی سه دوره (۱۳۸۴، ۱۳۷۶ و ۱۳۹۲) متأثر از میزان سرمایه اجتماعی است.

۳- قطب سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور دوگانه اصلاح‌طلبی و اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان، طی سه دوره (۱۳۸۴، ۱۳۷۶ و ۱۳۹۲) متأثر از میزان سرمایه اجتماعی است.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از حیث متدولوژی، جزء تحقیقات علمی و کاربردی است. همچنین برای جمع‌آوری و دسته‌بندی اطلاعات مکتسبه، از روش پیمایشی - توصیفی برای گردآوری داده‌ها در قالب پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. پس از دسته‌بندی و تعیین چگونگی پارامتریک یا غیر پارامتریک بودن فرضیات پژوهش، برای آنالیز کردن داده‌های جمع‌آوری شده از آزمون‌هایی نظیر آزمون F و T، رگرسیون ساده و چندگانه و آزمون معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی یا PLS استفاده گردید. همچنین جهت تجزیه و تحلیل آماری داده‌های جمع‌آوری شده از نرم‌افزار تخصصی اس پی اس در دو بخش توصیفی و استنباطی و برای تنظیم معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی و رسم نمودارها، از نرم‌افزار هوشمند پی آل اس اسمارت استفاده گردید.

جامعه آماری پژوهش، استان خوزستان و نمونه آماری شهروندان ۱۸ سال به بالا شهرستان‌های دارای بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت با یک واحد تحلیلی تطبیقی است که در سطح خرد اطلاعات و داده‌های لازم با ۱۹۲۵ نمونه در سطح ۵ شهرستان بالای ۱۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت در استان خوزستان جمع‌آوری و داده‌های مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی، مستقل و وابسته مورد آنالیز قرار گرفت.

قابل ذکر است که مشاهدات لازم برای دو طیف سیاسی اصولگرایی و اصلاح‌طلبی با استفاده از نتایج انتخابات ریاست جمهوری در استان خوزستان و جهت‌گیری آرای واریز شده به صندوق طی سه دوره ۱۳۸۶، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲ برای هر دو گرایش ذکر شده صورت پذیرفت. روش نمونه‌گیری؛ نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده چند مرحله‌ای با استفاده از جدول استاندارد گرجسی و مورگان تعیین گردید.

برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی از شاخص سرمایه اجتماعی روپاسینگهای و گوتز در قالب جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه با ۲ شاخص و ۲۰ گویه مورد استفاده و سنجش قرار گرفت. برای تعیین روایی ابزار بکار گرفته شده، از روایی سازه‌ای در قالب تحلیل عاملی استفاده شد که مقدار آزمون شاخص کیزر و مایر^{۲۱} در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار بود که خود نشانه‌ای از همبستگی بین گویه‌ها و دارا بودن بار عاملی^{۲۲} مناسب است.

جدول شماره ۱. مقدار آلفای کرونباخ و اندازه‌گیری مدل‌های پژوهش

C.R	AVE	VIF	Condition Index	Eigenvalue	شاخص‌های پژوهش	آلفای کرونباخ	مدل‌های سازنده
۰/۷۸	۰/۶۹	۱/۳۱	۲/۰۹	۱/۴۵	بعد شبکه‌ای	۸۱/۲	سرمایه اجتماعی
				بعد آلتوسویی			
				۲/۲۲			
				۲/۴۲			
				۱/۸۳			
۰/۷۸	۰/۵۶	۱/۰۴	۱/۹۹	۲/۱۸	اصولگرایی	۷۳/۵	گرایش‌های سیاسی
				اصلاح‌طلبی			
				۳/۱۵			
				۱/۹۵			
				۱/۲۴			

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش

سرمایه اجتماعی روابطی است که در دو حالت شبکه‌ای و هنجاری و حین روابط اجتماعی مردم با همدیگر شکل می‌گیرد (پوتنام، ۲۰۰۹).

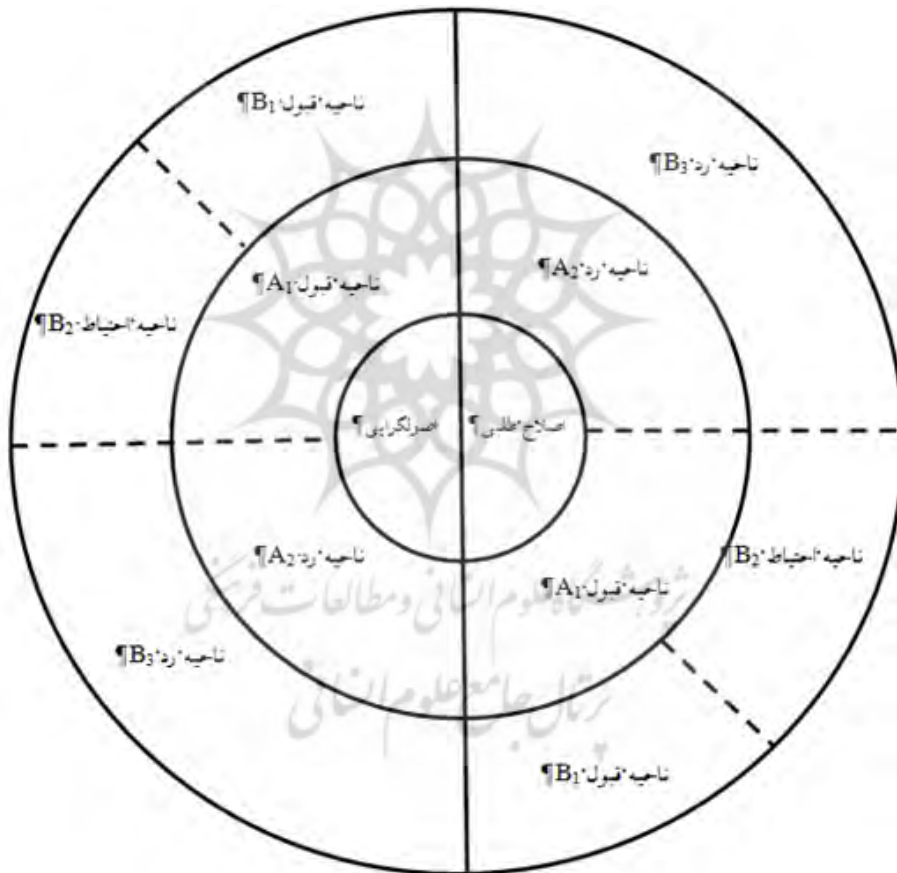
بعد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی^{۳۳} که شامل شبکه‌های افقی و عمودی است که این بعد سرمایه اجتماعی در سطح گوناگون روابط رسمی و غیررسمی تأثیر زیادی بر فعالیت سیاسی دارد (پناهی و خوش‌فر، ۱۳۹۰: ۶۷).

بعد هنجاری (آلتوسویی) سرمایه اجتماعی: این بعد با دو شاخص مشارکت سیاسی و مشارکت در پاسخگویی به آمارگران سرشماری عموم، نفوس و مسکن از سال ۱۳۷۶ تاکنون، سنجیده می‌شود.

گویه‌های مورد استفاده در بعد مشارکت سیاسی عبارت‌اند از: مشارکت در کارزارهای سیاسی، مشارکت به خاطر احساس مسئولیت‌پذیری، نقش‌های سیاسی داوطلبانه، فعالیت در رسانه‌های سیاسی و عضویت در احزاب و انجمن‌های سیاسی است. همچنین معیارهای شبکه‌ای سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: میزان ارتباطات اجتماعی در استان خوزستان و مشارکت در انجمن‌های مردم نهاد یا غیردولتی^{۳۴}.

گرایش‌های سیاسی: منظومه‌ای از تفکرات جمع است که در آن خیر عمومی در آن مستتر و نهفته است (شهریاری، ۱۳۹۳: ۱۰۳) که نهادهای اولیه و ثانویه بر این نوع از گرایش‌های سیاسی تأثیرگذار است (وربا، ۱۹۹۵). در این راستا گرایش‌های سیاسی در پژوهش حاضر به ۲ طیف سیاسی، اصولگرایی و اصلاح‌طلبی دسته‌بندی می‌شود.

نمودار (۲) قطب‌نمای گرایش‌های سیاسی (دوگانه اصولگرایی - اصلاح‌طلبی)
(منبع: تحلیل نویسندگان)



GR (گرایش اصلاح‌طلبی شهروندان) $A1+0 = A1+r$

GO (گرایش اصولگرایی شهروندان) $A1+0 =$ یا $BI+T2$

GG (گرایش غالب سیاسی شهروندان) $= GR, GM, GO$

در معادلات قطب‌نمای گرایش سنجی سیاسی منظور از حروف لاتین، $r, 0$ به ترتیب عبارت است از؛ انتخاب یکی از کاندیدای انتخاباتی با گرایش سیاسی اصولگرایی و اصلاح‌طلبی. همچنین منظور از حروف لاتین $T1, T2$ این است که: نامزد انتخاباتی یک گرایش سیاسی خاص در بین همان طیف سیاسی بنا به دلایل مختلف (عدم شرکت در انتخابات، رأی به کاندیدای مخالف و شرکت در انتخابات با برگ رأی سفید)، انتخاب نشود و منظور از اصطلاح لاتین GG گرایش غالب و عمده سیاسی شهروندان مطابق با کسب بالاترین امتیاز در بین دو طیف سیاسی ذکر شده تعیین و محاسبه می‌گردد.

در این راستا، جهت تعیین و سنجش سطح گرایش‌های سیاسی دوگانه شهروندان، بر حسب نمودار شماره (۲)، قطب‌نمای تعیین گرایش‌های سیاسی مطابق سنجه‌های ارائه شده، تدوین گردید و قطب سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور دوگانه اصلاح‌طلبی و اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان، طی سه دوره (۱۳۷۶، ۱۳۸۴، ۱۳۹۲) تعیین می‌گردد.

در ادامه با استفاده از روش فوق، برای طیف‌های سیاسی دوگانه اصلاح‌طلبی - اصولگرایی به تفکیک برای هر کدام هشت گویه یا سنجه در نظر گرفته شد که کمترین و بیش‌ترین امتیازات کسب شده به ترتیب نمرات هشت و چهل خواهد بود؛ بنابراین در صورت به دست آوردن حداقل نمره بیست و چهار و انتخاب یکی از نامزد انتخاباتی مربوط به همان طیف سیاسی، گرایش سیاسی مربوط به آن طیف سیاسی به عنوان گرایش غالب تعیین و محاسبه گردید.

لازم به ذکر است که الف) در صورت عدم مشارکت شهروندان استان خوزستان در انتخابات ریاست جمهوری، ب) شرکت و انداختن رأی سفید به صندوق ج) انتخاب نامزد دیگری از طیف سیاسی مخالف د) کسب امتیاز بین ۳۲ الی ۴۰ در هر کدام از طیف‌های سیاسی دوگانه، مبنای گرایش سیاسی غالب، دقیقاً بر اساس بند د) با در نظر گرفتن سایر موارد

محاسبه گردید. در ادامه، بر حسب توضیحات ارائه شده فوق مربوط به قطب سنجی گرایشات دوگانه سیاسی، نسبت به اولویت بندی و شناسایی گرایشات سیاسی غالب شهروندان استان خوزستان در دو طیف فکری اصلاح طلبی و اصول گرایی اقدام گردید.

لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر دلایل انتخاب یا عدم انتخاب نامزدهای سیاسی داوطلب توسط شهروندان استان خوزستان در ادوار سه گانه انتخابات (۷۶۸۴ و ۹۲) نیز بررسی می گردد.

یافته های تحقیق

الف) یافته های توصیفی

مطابق با یافته های توصیفی، میانگین سنی پاسخگویان ۴۱ سال بوده است، همچنین به لحاظ جنسیتی، قریب ۶۰ درصد پاسخگویان مردان بودند. بر حسب اطلاعات توصیفی قومیتی، بیشترین (۴۰) درصد از افراد مورد مطالعه عرب و کمترین (۲۰) درصد از شهروندان مورد مطالعه را فارس های بومی تشکیل دادند.

جهت متغیر تحصیلات، لیسانسه ها بیشترین نرخ جمعیتی (۳۰ درصد) و شهروندان دارای مدرک حوزوی کمترین (۱ درصد) جمعیت را تشکیل دادند. اطلاعات جمعیت شناختی مربوط به شغل پاسخگویان نشان می دهد که بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان شاغل با میانگین درآمد ۲,۸۹۵,۰۰۰ تومان بوده اند.

همچنین تمامی سطوح و ابعاد سرمایه اجتماعی (آلتوسویی - شبکه ای) شهروندان با میانگین ۳۱ درصد بالاتر از حد متوسط قرار دارد؛ بنابراین می توان گفت که وضعیت شاخص ارتباطات اجتماعی نسبت به سایر شاخص ها در ابعاد دو گانه ذکر شده از وضعیت مناسبی برخوردار است. همچنین تمامی سطوح آلتوسویی و شبکه ای سرمایه اجتماعی در میان جامعه آماری مناسب و بالاتر از حد متوسط (۳۰ درصد) گزارش می شود.

ب) یافته‌های استنباطی

جدول (۲)، سنجش فرضیات جمعیت‌شناختی تحقیق

متغیر ملاک	متغیر جمعیت‌شناختی	F	t	Sig.
اصلاح‌طلبی	SES	۰۴,۴۵	-۰۱۱,۴	,۰۰۱
	قومیت	۷۹,۱۹	-	۰۰۰۱,۰
	سکونت	۱۹,۶۹	-	۰۰۰۵,۰
	جنس	۰۲۳,۱۲	۳۲۵,۶	۰۰۰,۰
	سن	۰۰,۲۲	۵۹,۱	,۰۰۶
اصول‌گرایی	SES	۱۰,۴۱۳	-۱۰۷,۳	۰,۱۲۲
	قومیت	۰۰,۱۷	-	۰۰۰۵,۰
	سکونت	۷۸,۱	-۸۹	۱۱۶,۰
	جنس	۸۱۱,۸	-۴۰۰,۲	۰۰۱,۰
	سن	۱,۱۲۱	-۱,۲۴	۰,۰۰۶

مطابق با یافته‌های جدول شماره (۲)، نتایج نشان می‌دهد که در بعد گرایش اصول‌گرایی، شهروندان عرب‌زبان دارای بیش‌ترین میزان گرایش سیاسی غالب هستند. در خصوص متغیر محل سکونت، شهروندان اهوازی بالاترین میزان گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی و شهرستان ماهشهر کمترین میزان در این خصوص تعیین گردید؛ بنابراین در بعد گرایش سیاسی اصول‌گرایی شهرستان ماهشهر از بالاترین میانگین گرایش سیاسی اصول‌گرایانه برخوردار است.

بین سه گروه سنی تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین نمره شاخص گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبانه، زنان از مردان بیشتر است. مطابق با شاخص SES می‌توان تفسیر کرد که این شاخص با طیف سیاسی اصلاح‌طلبی رابطه معناداری معنی‌داری دارد. همچنین در بعد قومیت، بیش‌ترین میزان گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی مربوط به شهروندان فارس زبان بومی و بیش‌ترین میزان گرایش سیاسی اصول‌گرایی مربوط به شهروندان عرب‌زبان است.

جدول (۳)، ارتباط ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی با قطب سنجی گرایش‌های سیاسی

اصولگرایی	اصلاح‌طلبی	ابعاد سرمایه اجتماعی	
-۰,۱۱۸	۰,۱۷۶	همبستگی	شرکت در سرشماری
۰,۰۰۰۵	۰,۰۰۰۵	معنی‌داری	
-۰,۹۹	۰,۰۴۱	همبستگی	مشارکت سیاسی
۰,۰۰۰۵	۰,۳۳۴	معنی‌داری	
-۰,۱۲۸	۰,۴۱۳	همبستگی	ارتباطات اجتماعی و مدنی
۰,۰۰۰۵	۰,۰۰۰۵	معنی‌داری	
-۰,۱۲۱	-۰,۳۰۹	همبستگی	شبکه‌های NGO
۰,۰۰۰۵	۰,۰۰۰۵	معنی‌داری	
-۰,۲۴۸	۰,۱۲۹	همبستگی	ابعاد هنجاری-آلتوسویی
/۰۰۰	۰,۰۰۰	معنی‌داری	
-۰,۱۵۲	۰,۳۷۸	همبستگی	تراکم شبکه‌های
۰,۰۰۰۵	۰,۰۰۰	معنی‌داری	

جدول شماره (۳) ارتباط ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی با قطب سنجی گرایش‌های سیاسی را نشان می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: بین ابعاد ارتباطات اجتماعی و مدنی و پاسخگویی به سرشماری با گرایش اصولگرایی رابطه منفی و معکوس وجود دارد. همچنین بین شبکه‌های NGO و نگرش به مشارکت سیاسی با طیف سیاسی اصلاح‌طلبی رابطه معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه بین تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی با قطب سنجی گرایش‌های سیاسی دوگانه (اصلاح‌طلبی-اصولگرایی) رابطه معناداری وجود دارد، با این تفاوت که در متغیر اصولگرایی این ارتباط منفی و معکوس است.

جدول شماره (۴)، معادلات رگرسیونی ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی با قطب سنجی گرایش‌ها

سیاسی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	ضرایب استاندارد بتا	t	سطح معناداری
گرایش سیاسی اصول گرایانه	تراکم شبکه‌ای	-۰,۰۵۳	-۱,۹۱۲	۰,۰۳۲
	آلتوسویی - هنجاری	-۰,۱۵۹	-۸,۳۶۲	۰,۰۰۰
	R = .31.5	R Square = .059	F = 50.748	۰۰۰۵,۰
گرایش سیاسی اصلاح طلبانه	تراکم شبکه‌ای	۰,۳۲۹	۱۷,۵۲۶	۰,۰۰۰۵
	آلتوسویی - هنجاری	۰,۰۰۴	۰,۱۹۶	۰,۷۳۱
	R = 0.372	R Square = 161	F = 175.00	۰۰۰۵,۰

جدول شماره (۴). معادلات رگرسیونی ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی با قطب سنجی گرایش‌ها سیاسی را نشان می‌دهد.

- مقدار ضریب همبستگی و رگرسیون آماری در جناح سیاسی اصولگرایی برابر ۳۱,۵ است. مقدار R بیان‌کننده تبیین ۳۱ درصد از واریانس متغیر قطب سنجی گرایش سیاسی اصولگرایی با ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی است. مقدار $F=175$ و سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰۵ رابطه معنی‌دار آماری بین ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی با قطب سنجی گرایش‌ها سیاسی در این طیف را نشان می‌دهد. همچنین مقدار ضرایب استاندارد بتا نشان می‌دهد که گرایش‌ها سیاسی اصول‌گرایانه به شکل منفی و معکوس متأثر از ابعاد آلتوسویی و شبکه‌ای سرمایه است.

- مقدار ضریب همبستگی چندگانه در طیف سیاسی اصلاح‌طلبی با هر دو بعد گرایش‌ها سیاسی برابر ۰,۲۳۵ است. مقدار ضریب تعیین بیان‌کننده تبیین ۲۳ درصد از واریانس متغیر قطب سنجی گرایش‌ها سیاسی اصلاح‌طلبی با ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی است. مقدار $F=50,74$ و سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰۵ رابطه معنی‌دار آماری بین ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی با قطب سنجی گرایش‌ها سیاسی در این طیف را نشان می‌دهد. همچنین مقدار ضرایب استاندارد بتا نشان می‌دهد که گرایش‌ها سیاسی اصلاح‌طلبانه به شکل مثبت و مستقیم متأثر از ابعاد آلتوسویی و شبکه‌ای سرمایه است.

جدول شماره (۵)، معادلات رگرسیونی قطب سنجی گرایشات سیاسی بر اساس سرمایه اجتماعی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	ضرایب استاندارد بتا	t	سطح معناداری
گرایش اصولگرایی	سرمایه اجتماعی	-۰,۱۲۶	-۸,۱۹	۰,۰۰۰
	R = 0.335	R Square=0.049	F=83.91	۰,۰۰۰
گرایش اصلاح طلبی	سرمایه اجتماعی	۳۱۲,۰	۱۵,۱۹	۰,۰۰۰۵
	R = 0.363	R Square=0.111	F=22.6.31	۰,۰۰۰۵
کل طیف بندی های سیاسی	سرمایه اجتماعی	۰,۱۶۸	۱۳۹,۵	۰,۰۰۰
	R = 0.216	R Square=0.149	F=28.91	۰,۰۰

مطابق جدول شماره (۵)، الف) ضریب همبستگی چندگانه قطب سنجی گرایشات سیاسی بر محور طیف سیاسی اصولگرایی بر حسب کل سرمایه اجتماعی برابر ۰,۳۶۳ است. مقدار $F=۲۲,۶۳۱$ و سطح معنی داری ۰,۰۰۰ رابطه مستقیم و معنادار آماری بین گرایش سیاسی به طیف اصولگرایی را نشان می دهد؛ بنابراین می توان گفت که مدل تحلیل در این طیف قابل تأیید است. همچنین به خاطر منفی بودن مقدار ضرایب بتا می توان گفت که کل سرمایه اجتماعی بر این طیف سیاسی تأثیر معکوس و معنادار دارد.

ب) ضریب همبستگی چندگانه قطب سنجی گرایشات سیاسی بر محور طیف سیاسی اصلاح طلبی بر حسب کل سرمایه اجتماعی برابر ۰,۳۳۵ است. مقدار $F=۸۳,۹۱$ و سطح معنی داری ۰,۰۰۵ رابطه مستقیم و معنادار آماری بین گرایش به طیف سیاسی اصلاح طلبی را نشان می دهد؛ بنابراین می توان گفت که مدل تحلیل قابل تأیید است. همچنین به خاطر مثبت بودن مقدار ضرایب بتا می توان گفت که کل سرمایه اجتماعی بر این طیف سیاسی تأثیر مستقیم و مثبت دارد.

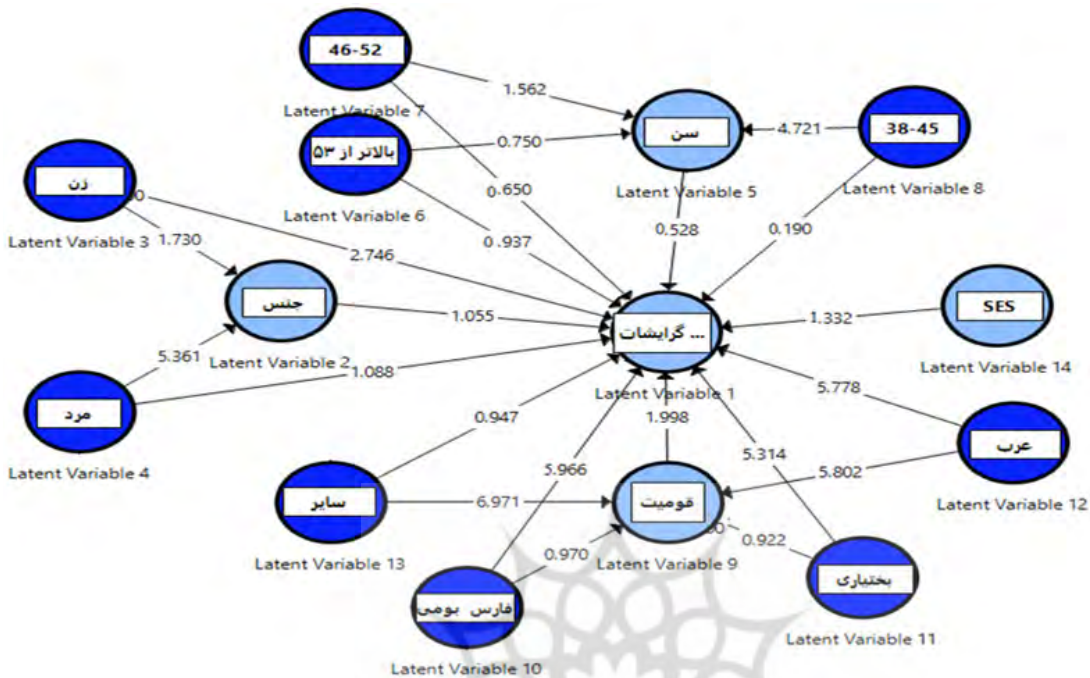
ج) مقدار آزمون F در ابعاد دوگانه گرایشات سیاسی (اصولگرایی-اصلاح طلبی) معنی دار است چون تفاوت میانگین نمره درون گروهی و برون گروهی در این طیف ها معنی دار است؛ بنابراین به هر مقداری که سرمایه اجتماعی شیب نزولی یا روند صعودی داشته باشد، گرایشات سیاسی غالب شهروندان نیز متأثر از کل میزان سرمایه اجتماعی روند صعودی

یا نزولی خواهد داشت. در این راستا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که با کاهش میزان سرمایه اجتماعی در هر منطقه به ترتیب اولویت گرایش‌های سیاسی شهروندان استان خوزستان بر حسب گرایش‌های اصولگرایی و اصلاح‌طلبی تعیین و انتخاب می‌گردد و عکس این مسئله نیز صادق است.

جدول شماره (۶)، مدل سنجی گرایش‌های سیاسی بر حسب سرمایه اجتماعی

متغیر مستقل	آزمون‌های آماری	گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی	گرایش سیاسی اصولگرایی
سرمایه اجتماعی	ضریب مسیر ^{۲۵}	-۰,۱۷۵	۰,۳۴۱
	مقدار t	۹,۶۹۲	۲۲,۹۳۱
	ارزش مقدار p	۰,۰۰۰,۰	۰,۰۰۰,۰
	مقادیر آزمون F	۰,۴۶,۰	۰,۱۱۳
	تفاوت ضریب تعیین ^{۲۶}	۳۲۹,۰	۰,۳۵۶

مطابق نتایج جدول شماره (۶)، نتایج نشان می‌دهد که تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش سیاسی اصولگرایی و اصلاح‌طلبی در سطح معنی‌داری ۹۹٪ معنادار و فقط به خاطر منفی بودن ضریب مسیر در گرایش سیاسی اصول‌گرایانه (-۰/۱۷۵) این تأثیر روند معکوس دارد. از سوی دیگر، برای بررسی اعتبار یابی مدل از شاخص افزونگی^{۲۷} استفاده شد و نتایج نشان داد که مقادیر این شاخص بزرگ‌تر از عدد ۰ است؛ بنابراین اعتبار مدل برای قطب سنجی گرایش‌های سیاسی مورد تأیید است. چون گرایش‌های سیاسی بر حسب دو طیف سیاسی نشان داده که تولید DEM در متغیر وابسته به خاطر مقدار مطلق خطا (MAE^{۲۸}) پایین بر حسب دستورالعمل Q2-PREDICT مورد استفاده قرار گرفت.



مدل سازی معادلات ساختاری (حداقل مربعات جزئی^{۲۹}):

مدل شماره (۲)، مدل معادلات ساختاری مربوط به تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی بر کل گرایشات سیاسی

مطابق مدل شماره (۲)، تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی را بر کل گرایشات سیاسی می توان به شکل ذیل تفسیر نمود:

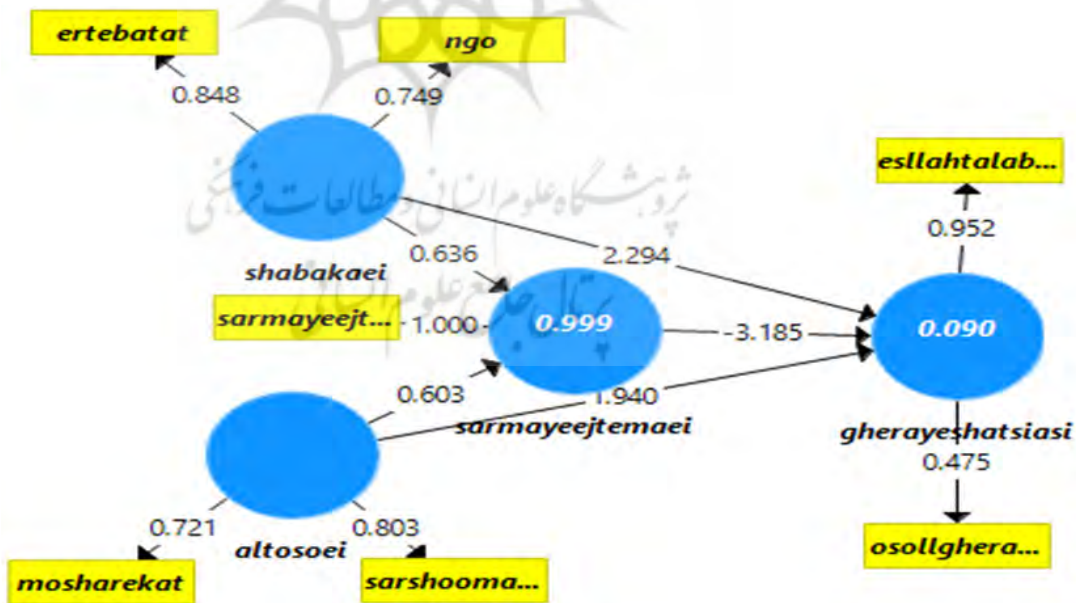
- تنوع گرایشات سیاسی بین زنان بیشتر از شهروندان مرد است و با بررسی دقیق تر این ارتباط می توان گفت: زنان (۲/۷۵) نسبت به مردان (۱/۰۹) علاقه بیشتری به انتخاب طیف سیاسی اصلاح طلبی دارند، به خاطر این که مقدار ضریب تأثیر کل (۱/۰۵۵)، بزرگ تر از عدد مبنای ۱ است، نشان از ارتباط مستقیم و معنادار بین جنسیت با کل گرایشات سیاسی دارد.

- ضرایب مسیر بین سن و گرایشات سیاسی (۰/۵۲۸)، بیانگر این نکته است که بین سن و گرایشات سیاسی هیچ گونه ارتباطی وجود ندارد، چون مقدار ضریب مسیر اعلام شده در این ارتباط کمتر از عدد مبنای ۱ است.

- بین شاخص پایگاه اقتصادی و اجتماعی و گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبانه و اصول‌گرایانه ارتباط وجود دارد، چون مقدار ویژه ارتباط این دو متغیر (۱/۳۳۲) است.

- بین قومیت و گرایش‌های سیاسی شهروندان استان خوزستان ارتباط معناداری وجود دارد. چون مقادیر و ضرایب مسیر در نمودار بزرگ‌تر از عدد مبنای ۱ است و نشان می‌دهد که بین این متغیرها ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد (۱/۹۹۸). در این خصوص می‌توان گفت که تنوع‌طلبی گرایش‌های سیاسی با محوریت انتخاب طیف اصولگرایی در بین قوم عرب بیشتر از سایر گزینه‌ها است (۵/۷۷۸)، این شاخص تنوع‌طلبی گرایش‌های سیاسی پس از قوم عرب به ترتیب در بین فارس‌های بومی (۵/۹۶۶) و قوم بختیاری (۵/۳۱۴) دیده می‌شود، بنابراین هرچقدر این مقدار ضعیف‌تر شود بیانگر گرایش بیشتر آن قومیت به انتخاب کاندیدایی طیف سیاسی اصلاح‌طلبی است (در این تعریف، قوم بختیاری بیشتر از اقوام دیگر دارای گرایش اصلاح‌طلبانه هستند).

مدل شماره (۳)، معادلات ساختاری مربوط تأثیرپذیری گرایش‌های سیاسی
دوگانه از سرمایه اجتماعی



بر اساس مدل معادلات ساختاری (حداقل مربعات جزئی) در مدل شماره (۳)، فرضیات فرعی و اصلی از زاویه دیگر مورد تحلیل و آزمایش و با استفاده از مدل تحلیل مسیر مورد ارزیابی و ساختار یابی قرار گرفته شدند. نتایج نمودار فوق بیانگر این است که گرایش سیاسی اصلاح طلبی محاسبه شده از طریق قطب‌نمای گرایش سنجی سیاسی (۰/۹۵۲) بیشتر از گرایشات سیاسی اصول‌گرایانه (۰/۴۷۵) تحت تأثیر میزان کل سرمایه اجتماعی (۳/۱۸۵-) قرار گرفت. همچنین ابعاد شبکه‌ای سرمایه اجتماعی (۲/۲۹۴) نسبت به ابعاد آلتوسویی (۱/۹۴۰) دارای ضریب تعیین‌کنندگی بیشتری در نوع گرایشات سیاسی دوگانه است، به تعبیری روشن‌تر در شهرهای با میزان سرمایه اجتماعی بالا در استان خوزستان، متعاقباً گرایش سیاسی آن مناطق بیشتر اصلاح‌طلبانه است تا اصول‌گرایانه؛ بنابراین می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی دارای ضریب تأثیر بالایی (۰/۴۵۸) بر روی گرایشات سیاسی است؛ به عبارت دیگر ضریب مسیر فوق بیانگر این است که سرمایه اجتماعی توانسته است به خوبی تغییرات کل را در متغیر وابسته گرایشات سیاسی مورد تبیین قرار دهد چون ضریب معناداری سرمایه اجتماعی و گرایشات سیاسی عدد ۳/۱۸۵- است که منفی بودن این ضریب مسیر بیانگر معنی‌دار بودن تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی متغیر گرایشات سیاسی در طیف اصول‌گرایانه (۰/۴۷۵) است. ولی تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی متغیر گرایش سیاسی اصلاح‌طلبانه (۰/۹۵۲) معنادار و مستقیم است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

سرمایه اجتماعی، مسیر مهمی جهت نیل به توسعه سیاسی است. در یک جامعه مدنی با نقشی مهمی که به عنوان واسطه بین مردم و دولتمردان ایجاد می‌کند در اتحاد جامعه نقش دارد. همچنین باعث می‌شود که شهروندان با اطمینان بیشتر به بنیان‌های جامعه، آزادانه گرایش فکری و سیاسی خود را به عنوان یکی از مصادیق توسعه سیاسی بروز دهند. نظریه سرمایه اجتماعی کمک می‌کند تا بتوان نقش هم‌رنگی اجتماعی را در تعلقات و گرایشات سیاسی بر اساس نتایج ذیل شناسایی و پیش‌بینی کرد:

- میزان گرایشات سیاسی در گروه‌های سنی مختلف از یک برابری نسبی برخوردار است؛ بنابراین بین گرایشات سیاسی در گروه‌های سنی مختلف رابطه معناداری وجود ندارد.

احتمالاً این موضوع بر اساس ثابت ماندن سطح فعالیت‌های سیاسی بر حسب رده‌های سنی گوناگون است. در راستای یافته‌های (کلنسر، ۲۰۰۷) سن با سطح گرایش‌های سیاسی دوگانه (اصلاح‌طلبی - اصولگرایی) ارتباط ندارد. احتمالاً این موضوع به خاطر عدم تحرک پذیری سنی سیاسی شهروندان استان خوزستان بر حسب فعالیت‌های سیاسی است.

- گرایش‌های سیاسی اصلاح‌طلبی در بین زنان بیش از مردان خوزستانی است. احتمالاً علت این امر آن باشد که در ایران و خاصه در استان خوزستان زنان به‌طور کلی اصلاح‌طلبانه‌تر از مردان هستند و در مسائل روز سیاسی فعالیت بیشتری دارند (نتایج ملموس انتخابات و مشارکت سیاسی بالای زنان در انتخابات ریاست جمهوری دوم خردادماه ۱۳۷۶ خود شاهد معتبری بر انتخاب این طیف سیاسی است). در این راستا میچلتی (۲۰۰۴)، اعتقاد دارد که زنان نسبت به مردان فعالیت بیشتری در مسائل روز سیاسی و فعالیت‌های دموکراتیک دارند.

- شهروندان با درآمد بالا دارای گرایش سیاسی بیشتری به انتخاب جناح اصلاح‌طلبی هستند. در این راستا، وربا (۱۹۹۳) و جها (۲۰۱۸) نشان دادند که شهروندان با جایگاه اقتصادی بالاتر، از قدرت بالاتری در جهت تأثیرگذاری بر سیاست‌های رفهرمیستی برخوردارند. تأثیرپذیری از فعالیت‌های روز اجتماعی و نارضایتی از نخبگان حاکم در سال ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران یک نوع خودآرایی و خودنمایی سیاسی در بین طبقات متوسط رو به بالا و طبقات بالای جامعه برای تغییر الگوی سیاسی اصولگرایی به اصلاح‌طلبی یا شبه اصلاح‌طلبی (اعتدال گرایی) است.

- در بعد گرایش‌های اصولگرایی شهروندان خوزستان، می‌توان گفت شهروندان عرب‌زبان و در بعد اصلاح‌طلبی، قوم بختیاری دارای بیش‌ترین گرایش سیاسی در این زمینه هستند. این امر نشان می‌دهد که پیدایش گروه‌های قومی می‌تواند اقتدار دولت‌ها را به چالش کشیده و موجبات جهت‌گیری خاص به یک نوع گرایش سیاسی باشد. در این راستا، هنگامی که وابستگی‌های قومی در یک منطقه قوی باشد (به خصوص در شهرهای سنتی استان خوزستان) دیدگاه‌های یکسانی در این زمینه کسب می‌شود و احتمالاً این همدلی قوم‌گرایانه می‌تواند به افراد در قالب‌بندی یک نوع گرایش سیاسی یکسان کمک نماید (گرانوتر، ۲۰۰۵).

- محل سکونت شهروندان استان خوزستان در گرایش آنان به طیف‌های سیاسی تفاوت

دارد، به گونه‌ای که شهروندان شهرستان اهواز (مرکز استان با جمعیت بیش از یک میلیون نفر)، بیش‌ترین تفاوت را نسبت به شهرهای کوچک‌تر دارد که این مسئله گویای آن خواهد بود که تراکم جمعیت در نوع تعلقات سیاسی تأثیرگذار است. مثلاً در کلان‌شهر اهواز گرایش غالب بر حسب نتایج قطب‌نمای سیاسی، گرایش اصلاح‌طلبانه است و در شهرهای با جمعیت کمتر مثل ماهشهر این مسئله معکوس است. نتایج این یافته‌ها مطابق با دیدگاه (اسمیت، ۲۰۰۲)، راش (۷۷) و بوناجه (۲۰۱۸) است، چون محل سکونت ممکن است تعلقات سیاسی را کم و زیاد نماید.

- نتایج نشان داد که گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی رابطه مثبت و معنی‌داری با ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی (آلتوسویی - شبکه‌ای) دارد. بر این اساس به نظر می‌رسد که هرچقدر در استان خوزستان و به تفکیک شهرهای مختلف ما شاهد رشد میزان سرمایه اجتماعی باشیم، به تبعیت از آن، یک ذهنیت تغییر طلبانه تحول خواه قالب می‌پذیرد. احتمالاً علت مسئله این است که شهروندان تحت تأثیر الگوهای جهانی شدن، رفتار سیاسی خودشان را با این الگوهای جهانی هم‌نوا و به سپس به گرایش‌های سیاسی خودشان جهت می‌دهند. چون رشد تعلق‌پذیری به شبکه روابط و انجمن‌های اجتماعی باعث به وجود آمدن یک هم‌آوایی در طرز تفکر سیاسی بر بستر باورهای سیاسی رایج (مثلاً ذهنیت اصلاح‌طلبانه) می‌گردد. ویژگی اصلی سرمایه اجتماعی، شکل‌گیری تحولات سیاسی از جنس دموکراسی طلبی است. چون تقویت سرمایه اجتماعی زاینده مشارکت سیاسی بالا و اعتمادآفرینی در این زمینه است. احتمالاً عضویت شهروندان در شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌هایی را شکل می‌دهد که باعث گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی می‌گردد. نتایج یافته‌های این بخش در زمینه تفسیر سیاسی به‌عمل آمده با تحقیقات گلین و همکاران (۲۰۰۹)، کلین (۲۰۰۰)، فوکویاما (۱۹۹۵) و جها (۲۰۱۸) در بخش چهارچوب نظری تحقیق هماهنگ است.

- نتایج تحقیق نشان داد که گرایش سیاسی اصول‌گرایانه شهروندان خوزستانی رابطه معکوس، منفی و معناداری با ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی (آلتوسویی - شبکه‌ای) دارد. بر این اساس احتمالاً، شکل‌گیری رفتار سیاسی شهروندان مطابق با باورها و ایدئولوژی‌های مشترک و موردپذیرش به خاطر آرمان و ارزش‌های مشترک آنان است. در این راستا تبعیت از ارزش‌های موجود بر رفتارهای سیاسی و انتخاباتی این افراد در زمینه انتخاب یک جناح

سیاسی (در این تعریف اصولگرایی) تأثیرگذار است؛ بنابراین بر اساس ارزش‌های ثابت و مشترک شهروندان است که میزان تعلق‌پذیری به جناح سیاسی اصولگرایی نضج می‌گیرد و تقویت سرمایه‌های اجتماعی در این طیف، تعلقات سیاسی را معکوس می‌نماید. به نظر می‌رسد که محافظه‌کاران به این دلیل با دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی مخالفت می‌نمایند که تردید دارند آیا می‌توانند در صورت تغییرات سیاسی به چیز بهتری دست پیدا کرد یا خیر. چون از نظر عالم (۱۳۷۹) محافظه‌کاران در نهادهای موجود ارزشی ذاتی می‌بینند و چندان تمایلی به تغییر آن ارزش‌ها ندارند. نتایج و تفسیر سیاسی به‌عمل‌آمده با تحقیقات داوسون و والندورف، (۱۹۸۵)، ژوتر و هیندلز (۲۰۱۲) و پوتنام (۲۰۰۲) در بخش ادبیات و چهارچوب نظری هماهنگ است.

- نتایج تحقیق نشان داد که قطب سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور اصلاح‌طلبی و اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان، طی سه دوره (۱۳۸۴، ۱۳۷۶، و ۱۳۹۲) متأثر از میزان سرمایه اجتماعی است. چون شهروندانی که در شهرهای با میزان سرمایه اجتماعی بالا زندگی می‌کنند، جهت‌گیری سیاسی خاص و ویژه‌ای به یکی از دو جناح سیاسی اصولگرایی یا اصلاح‌طلبی دارند. چون تقویت میزان سرمایه اجتماعی باعث تقویت همبستگی و مشارکت سیاسی و تهییج شهروندان به فعالیت‌های سیاسی می‌شود و احتمالاً بر این اساس انتخاب سیاسی شهروندان به صورت معناداری یک مسیر و کانال خاص را دنبال می‌نماید. در این تعریف رشد سرمایه اجتماعی، احتمالاً امکان تغییر گرایش‌های سیاسی به سمت طیف سیاسی اصلاح‌طلبی را جابجا و هموار می‌سازد، چون ذات سرمایه اجتماعی (ارتباطات، هنجارهای اجتماعی و ایجاد جامعه شبکه‌ای) در شکل‌گیری امور سیاسی ترقی‌خواهانه است.

به‌طورکلی با افزایش سرمایه اجتماعی به ترتیب اولویت گرایش‌های سیاسی بر حسب گرایش‌های اصلاح‌طلبی و اصولگرایی تعیین و انتخاب می‌گردد، چون برابری یا نابرابری‌های اقتصادی در نوع گرایش‌های سیاسی شهروندان تأثیر دارد. نتایج و تفسیر سیاسی به‌عمل‌آمده با تحقیقات با دیدگاه گرانووتر (۲۰۰۵)، پوتنام (۲۰۰۲)، ابوالحسنی (۱۳۸۴)، هانتینگتون (۲۰۰۴) و دیدگاه انتخاب عقلانی در بخش ادبیات و چهارچوب نظری تحقیق همسو است.

- نتایج تحقیق نشان داد که قطب سنجی گرایش‌های سیاسی بر محور دوگانه اصلاح‌طلبی

و اصولگرایی (به صورت ترکیبی) در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در استان خوزستان، طی سه دوره (۱۳۸۴، ۱۳۷۶ و ۱۳۹۲) متأثر از میزان سرمایه اجتماعی است. چون مطابق با ترسیم قطب‌نمای اولویت‌بندی گرایش‌های سیاسی مشخص شد که بیش‌ترین و کمترین تعلق حزبی در استان خوزستان به صورت ترکیبی به ترتیب مربوط به جناح اصلاح‌طلبی و اصولگرایی است. در این راستا مطابق قطب‌سنجی گرایش‌های سیاسی، سرمایه اجتماعی در استان خوزستان کمترین تأثیر را بر روی گرایش به طیف فکری اصولگرایی داشته است. رابطه منفی بین ابعاد سرمایه اجتماعی و گرایش سیاسی محافظه‌کارانه منجر به تغییرات معکوس گرایش اصول‌گرایانه افراد در فعالیت‌های سیاسی شهروندان استان خوزستان می‌گردد. در نتیجه می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین عوامل تحرک بخشی به فعالیت‌های سیاسی، مقوله سرمایه اجتماعی است. چراکه داوونز (۲۰۰۲) در نظریه انتخاب عقلایی، هرگونه رفتار سیاسی را نتیجه انتخاب‌گری کنش‌گران سیاسی جهت انتخاب عقلایی رسیدن به اهداف سیاسی می‌داند. نتایج این یافته‌ها با تحقیقات ژوتر و هیندلز (۲۰۱۲) و نظریه انتخاب عقلانی داوونز (۲۰۰۲)، در بخش چهارچوب نظری همسو است.

پیشنهادات پژوهش

- نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی بر اولویت‌بخشی به گرایش‌های سیاسی تأثیر دارد؛ بنابراین لازم است متأثر شدن از رنگ‌بندی‌های سیاسی و هنجارها و شبکه‌های اجتماعی در قالب مطالعات میدانی به صورت مجزا در آینده مورد پژوهش قرار گیرد.

- نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی بر کل گرایش‌های سیاسی، طی سه دوره انتخابات ریاست جمهوری سال‌های (۱۳۸۴، ۱۳۷۶ و ۱۳۹۲) تأثیر دارد؛ بنابراین افزایش میزان سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر گرایش‌های سیاسی به شکل پویا و هدفمند در مقوله مشارکت سیاسی نیز مورد پژوهش قرار گیرد چون عده‌ای از پاسخگویان در انتخابات سه دوره مذکور مشارکت نداشته‌اند.

- نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی بر روی گرایش‌های اصول‌گرایانه رابطه معنی‌داری و معکوسی وجود دارد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود نقش سرمایه‌های اجتماعی در جابجا کردن گرایش‌های سیاسی مطابق سلايق روز از حیث سیاسی و ارزشی مورد مذاقه

بیشتر قرار گیرد. چراکه در پژوهش حاضر با افزایش سرمایه‌های اجتماعی گرایش‌های سیاسی اصولگرایی تغییر معکوس می‌یابد.

در پایان پیشنهاد می‌شود افزایش ارتباطات و سرمایه‌های اجتماعی بر تغییرات مستقیم گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی مورد پژوهش بیشتر فرار گیرد. چراکه سرمایه‌های اجتماعی به شکل مستقیم و بیش‌ترین تأثیر را بر گرایش به طیف سیاسی اصلاح‌طلبی دارد. همچنین لازم است نقش فروپاشی سرمایه اجتماعی بر این روند مورد بازبینی قرار گیرد.

پی‌نوشت

1. gha et all
2. Political leanings
۳. بر اساس ملاحظات این پژوهش حزب اعتدال و توسعه به این طیف سیاسی به صورت مجزا اضافه می‌گردد
۴. به این طیف سیاسی، جبهه پایداری، جبهه ایستادگی و جمعیت دفاع از رزش‌های انقلاب اسلامی اضافه می‌شود.
5. Jha, Banerjee Boudreaux
6. Boudreaux
7. Mulligan
8. Iyengar & Westwood
9. Jottier & heyndels
10. muffe
11. taiilly
12. Funck & betmman
13. reis & leing
14. Jacoby
15. Glynn
16. gerber
17. sydney & verba
18. Granovetter
19. smith
20. whiteley & seyd
21. KMO

22. Eigenvalue
23. Social Networks
24. NGO
25. Path coefficients
26. R square
27. Redundancy
28. Mean absolute error
29. PLS



کتاب‌نامه

۱. ابوالحسنی، سید رحیم. (۱۳۸۴). «نگرش و گرایش‌های سیاسی مردم (اصلاح‌طلبی یا محافظه‌کاری)». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. شماره ۶۹، صفحات ۱-۲۴.
۲. مرادی، سالار و احمدی، یعقوب (۱۳۹۷). «سرمایه اجتماعی و فرهنگ شهروندی». *فصلنامه علوم اجتماعی*. دوره ۲۷، شماره ۱۸، صفحات ۱۰۱-۱۲۹.
۳. بوردیو، پی‌یر. (۱۳۸۱). «نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی». ترجمه مرتضی مردیها، تهران، نی.
۴. خوش‌فر، غلامرضا و پناهی، محمدحسین (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی استان گلستان». *پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان*. دوره ۲، شماره ۱، صفحات ۸۲-۶۱.
۵. خلفخانی، مهدی و حیدری، مرجان. (۱۳۹۴). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرکرد». *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*. دوره ۱، شماره ۹، صفحات ۷۸-۴۸.
۶. ذولفقاری، ابوالفضل و فعلی، جواد. (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر جایگاه جوانان تهران در فضای اجتماعی بر روی میزان گرایش به ارزش‌های دموکراتیک». *فصلنامه پژوهش اجتماعی*. دوره ۲، شماره ۵، صفحات ۲۰۱-۱۷۷.
۷. رستگار خالد، امیر (۱۳۹۱). «رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک». *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۵۹، صفحات ۱۳۲۲-۸۹.
۸. شهریار، حیدر. (۱۳۹۳). «تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران». *فصلنامه دانش سیاسی*. دوره ۲، شماره ۲۰، صفحات ۱۰۱-۶۳.
۹. صباغ‌پور، علی‌اصغر. (۱۳۷۳). «بررسی نگرش سیاسی-مذهبی جوانان ذکور تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی؛ دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. صبوری، منوچهر. (۱۳۸۱). «جامعه‌شناسی سازمان‌ها». تهران، نشر شب‌تاب.
۱۱. عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۹). «بازبینی طیف گرایش‌های سیاسی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. شماره ۴۸، صفحات ۱۵۵-۱۱۵.
۱۲. عباسی سرمدی، مهدی، مهربانی کوشکی، راضیه و رهبر قاضی، محمود رضا. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت در انتخابات». *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*. دوره ۵، شماره ۲، صفحات ۴۱-۶۰.
۱۳. عطار، سعید و ابوالحسنی، رحیم. (۱۳۹۱). «رویکرد سیاست شبکه‌ای: تعمیم اندیشه سرمایه اجتماعی به عرصه تحلیل دولت». *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. شماره ۲.
۱۴. فتحی، یوسف. (۱۳۹۵). «مطالعه جامعه‌شناختی رابطه سبک زندگی و جمعیت جوان و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی با تأکید بر قرآن و حدیث». *فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی*. دوره ۲، شماره ۶، صفحات ۱۰۱-۱۳۳.

۱۵. فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵). **امریکا بر سر تقاطع: دموکراسی، قدرت و میراث جریان نو محافظه‌کاری در امریکا**. ترجمه وحید امیری، مجتبی. تهران، نشر نی.
۱۶. فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). **پایان نظم**. ترجمه غلام عباس توسلی، تهران، جامعه ایران.
۱۷. قاضی رهبر، محمود. امام جمعه زاده، سید جواد. هرسیچ، حسین و حاتمی، عباس. (۱۳۹۳). تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان، صنعتی اصفهان، هنر اصفهان و علوم پزشکی اصفهان در سال تحصیلی (۱۳۹۳-۱۳۹۲)). پایان‌نامه‌ی دکتری رشته علوم سیاسی. دانشگاه اصفهان دانشکده علوم اداری گروه علوم سیاسی.
۱۸. کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). **بنیادهای نظریه اجتماعی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران، نشر نی.
۱۹. جعفری، فاطمه. و میرزایی، خلیل (۱۳۸۸). «تأثیر عوامل اجتماعی و جمعیتی بر گرایش سیاسی دانش‌آموزان دبیرستان رودهن». **فصلنامه پژوهش اجتماعی**. دوره ۲، شماره ۳، صفحات ۱۷۷-۱۶۱.
۲۰. هابرماس، یورگن. (۱۳۸۴). **دگرگونی ساختاری حوزه عمومی**. ترجمه محمدی، جمال. تهران، نشر افکار.
21. Abramson, P. Aldrich, J. (1982). **The decline of electoral participation in America**. *American Political Science Review*, 76.
22. Baker, H. Farrelly, G and Edelman, R. (2010). **Factors Influencing on Dividend Policy of Nasdak firms**. *Financial Review*. 38, 19-38.
23. Bevelander, P. Pendakur, R. (2009). **Social capital and voting participation of immigrants and minorities in Canada**. *Ethnic and Racial Studies*, 32, 101-125.
24. Bourdieu, P. Wacquant, I. (1992). **An Invitation to Reflexive Sociology**, Chicago. University of Chicago Press.
25. Coleman, J. (1995). **Achievement-Oriented School Design**. In: *Hallinan, M.T. Restructuring Schools: Promising Practices and Policies*. Plenum, New York.
26. Fukuyama, F. (2002). **Our Posthuman Future: Consequences of the Biotechnology Revolution**. Publisher: Picador USA.
27. Fukuyama, F. (2001). **Social capital, civil society and development**. *Third World Quarterly* 22 (1), 7-20.
28. Gerber, A. Green, S and Christopher W. (2008). **Social Pressure and Voter Turn-out: Evidence from a Large-Scale Field Experiment**. *American Political Science Review*, 102.
29. Glynn, C. Huge, M and Lunney, C. (2009). **The influence of perceived social norm on college students' intention to vote**. *Political Communication*, 26, 121-139
30. Granovetter, M. (2005). **social structure**. *American Journal of Sociology*, 91.

31. Henseler, J. Ringle, C and Sinkovics, R. (2009). **The use of partial least squares path modeling in international marketing.** *New Challenges to International Marketing*. Vol. 20. 277-320.
32. Iyengar, S. Westwood, S. (2015). **Fear and loathing across party lines: new evidence on group polarization.** *Am. J. Polit. Sci.* 59 (3), 690–707.
33. Jacoby, W. (2014). **Is there a culture war? Conflicting value structures in American public opinion.** *Am. Polit. Sci. Rev.* 108 (04), 754–771.
34. Jha, A. Chen, Y. (2015). **Audit fees and social capital.** *Account. Rev.* 90 (2), 611–639.
35. Jha, A. (2017). **Financial reports and social capital.** *J. Bus. Ethics.*
36. Jha, A. Boudreaux, C and Banerjee, V. (2018). **Political leanings and social capital.** *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 72. 95–105.
37. Jottier, D. Heyndels, B. (2012). **Social capital and government Disentangling the Process at work.** In: *Marc Hooghe (ed.)*, Social Cohesion contemporary theoretical perspectives on the study of social cohesion and social capital, Koninklijke Vlaamse Academie van België voor.
38. Klesner, j and Kenyon Colleg. (2007). **social capital and political participation in latin America.** *Latin American Research Review.* 42, 21-32.
39. Knack, S. (2002). **Social capital and the quality of government: evidence from the states.** *Am. J. Polit. Sci.* 46 (4), 772–785.
40. Lipset, S. Rokkan, S. (1968). **Cleavage Structures, Party Systems and Voter Alignments. Introduction.** In *Party Systems and Voter Alignments: Cross-National Perspectives*, ed. by Seymour M. Lipset and Stein Rokkan. New York: The Free Press.
41. Milbrath, L. (1981). **political participation, Handbook of political behavior.** Vol.4, ed. S. Long, new York: plenum press.
42. Mulligan, K. (2008). **The myth of moral values voting in the 2004 presidential election.** *PS: Polit. Sci. Polit.* 41 (01), 109–114.
43. Paxton, p. (2002). **Social Capital and Democracy: An Inter-dependent Relationship.** *American Sociological Review*, 67.
44. Putnam, R. (2002). **The Evolution of Social Capital.** New York: Oxford University Press.
45. Rupasingha, A. Goetz, S. (2008). **US County-Level Social Capital Data.** In, *University.* *Journal of Behavioral and Experimental Economics.*

46. Smith, E. (2002). **Investments in the Social Capital: analysis Longitudinal**, 21.33-44.
47. Seligson. Mitchell A. (2005). **Can Social Capital be Constructed? Decentralization and Social Capital Formation in Latin America**. In *Developing Cultures: Essays on Cultural Change*, edited by Lawrence Harrison and Jerome Kegan. New York, Routledge.
48. Verba, H. (1995). **Civic voluntarism in American**, MA: Harvard University Press. 19.13-49.
49. Whiteley P. and Seyd P. (1996). **Rationality and Party Activism: Encompassing tests of Alternative Models of Political Participation**. *European Journal of Political Research*, 29.102-145.
50. Zhocoobi, Y. (2014). **To Vote or Not To Vote: An Analysis of Peasants' Participation in Chinese Village Elections**. *Comparative Political Studies*, 35.

